

Journal iranian political sociology

Vol. ۵, No. ۳ , Khordad ۲۰۲۲

Jurisprudential and legal principles of the rule of ownership stability in foreign investment with the approach of Iranian political sociology

The religion of Islam, while recommending moderation, recommends the establishment of installments and social justice in various ways. In Iranian law, the stability of individual property is protected. Based on the relationship between acquired rights and stability of property, no person has the right to encroach on another's property, and in case of encroachment on another's property, the possessor and aggressor will be prosecuted. The purpose of examining the rule of property stability in foreign investment is to identify the sanctity of property by important legal systems of the world, and in this regard, the views of investable countries and first capital is very important and examines the Constitution of the Islamic Republic and jurisprudential and legal sources. That the stability of property has been considered in Islamic jurisprudence and according to the proposed rules is considered a matter of course and its acceptance in foreign investment is acceptable based on respect for the sanctity of property and the domestic law of Iran, according to it, this case Emphasis added.

بررسی موانع ثبات مالکیت در جذب سرمایه‌گذاری خارجی و راهکارهای برون رفت آن

حمید شیردژم^۱

محمد روحانی مقدم^۲

علیرضا حسینی^۳

چکیده

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۲۱

باید پذیرفت که اصل ۸۱ قانون اساسی، جهت جلوگیری از انحصار خارجی بنا شده و خارجیان را از داشتن سهام شرکت‌های ایرانی منع نکرده است. آنها می‌توانند تا ۴۹٪ در شرکت‌های داخلی سرمایه‌گذاری کنند. برنامه پنج ساله اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، استفاده از روش بیع متقابل را، به عنوان یکی از راه‌های جلب سرمایه‌گذاری خارجی، مجاز دانسته است. تبصره ۲۹ قانون برنامه پنج ساله اول، به دولت اجازه داده تا به منظور رفع قسمتی از نیازهای بخش صنعت و معدن، به منظور تولید و صادرات و سرمایه‌گذاری، به روش معاملات بای یک اقدام کند. تبصره ۲۲ برنامه پنج ساله دوم نیز، برای اجرای طرح‌های زیربنایی و توسعه‌ی و همچنین افزایش ظرفیت تولیدی صادراتی کشور، به دولت اختیار داده است که انجام معاملات بای یک را از طریق سیستم بانکی کشور تسهیل نماید. به هر حال، یک راه حل دقیق، که بتواند تفسیری دقیق درباره اصل ۸۱ قانون اساسی باشد، هنوز ارایه نشده و برخی، در تفسیر این اصل تا به آنجا پیش رفتند که حتی، ثبت شعب و نمایندگی‌های شرکت‌های خارجی را نیز امکان‌پذیر می‌دانند و اجرای ماده ۳ قانون ثبت شرکتها را نیز غیر ممکن می‌پندارند. سرانجام، مجلس شورای اسلامی با تصویب «قانون اجازه ثبت شعبه یا نمایندگی شرکت‌های خارجی، به کلیه بحث‌ها در این باره پایان داد و راه را برای فعالیت شرکتها و موسسات خارجی هموار ساخت.

کلیدواژگان: مالکیت، موانع ثبات، سرمایه‌گذاری، انحصار خارجی.

^۱دانشجوی دکترای گروه حقوق خصوصی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران. hamidshirdozham@yahoo.com

^۲استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران (نویسنده مسؤل). mmoghadam@chmail.ir

^۳استادیار گروه حقوق خصوصی، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران (استاد مشاور). Alirezahasani332@gmail.com

قاعده ثبات مالکیت، یکی از قواعد حقوقی ماهوی است که در همه عرصه های حقوق خصوصی، اعم از حقوق مدنی و حقوق تجارت قابلیت استناد و اعمال دارد، و در سرمایه گذاری خارجی و اختلافات ناشی از تعرض به مالکیت، جایگاه ویژه ای دارد. همچنین قاعده ثبات مالکیت در حقوق ایران و بیشتر نظام های حقوقی به رسمیت شناخته شده و با اندک تفاوتی اهمیت و جایگاه حقوقی آن مورد تاکید حقوقدانان کشورها است.

سلب مالکیت، ملی کردن، مصادره و ضبط اموال از جمله استثنائات وارد بر قاعده ثبات مالکیت هستند که به موجب قطعنامه های سازمان ملل به عنوان حق حاکمیت دولتها بر منابع طبیعی مورد شناسایی قرار گرفته اند. قاعده ثبات مالکیت در جذب سرمایه گذاری خارجی بسیار مهم و مورد توجه است تا جایی که امنیت سرمایه گذاری و توجه جدی به جذب آن از خارج باعث جلو بردن پروژه های صنعتی کشور و افزایش قابلیت اعتماد زیر ساخت های توسعه ای و در نتیجه اقتصادی خواهد شد و کشور را از بحران های مختلف اقتصادی آینده جهان که فقر و بیکاری مهمترین شاخص آن در کشور های توسعه نیافته است نجات خواهد داد.

اما به نظر می رسد برای جلب سرمایه گذاری خارجی نمی توان از حاکمیت ملی بر منابع و اموال و داراییهای عمومی و دولتی چشم پوشی کرد. همچنانکه صرفنظر کردن از سرمایه گذاری خارجی به بهانه نگرانی از ورود خدشه بر حاکمیت ملی، با مصالح ملی انطباق ندارد. تعارض ظاهری منافع سرمایه گذار خارجی و دولت میزبان از حیث میزان رعایت قاعده ثبات مالکیت، دو مصلحت حمایت از سرمایه گذاری خارجی و صیانت از منافع ملی را مقابل یکدیگر قرار می دهد. با شناسایی ماهیت قاعده ثبات مالکیت و استثنایا به هنگام بروز اختلاف میان سرمایه گذار خارجی و دولت میزبان می توان به راه حلی که با مصالح انطباق بیشتر دارد دست یافت.

۱- موانع سرمایه گذاری خارجی

۱-۱. موانع حقوقی جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی

مهمترین موانعی که در قانون اساسی، بر سر راه جذب سرمایه خارجی وجود دارد عبارت است از:

الف) منع امتیاز دادن به خارجی اصل ۸۱: «دادن امتیاز تشکیل شرکتها و مؤسسات در امور تجاری، صنعتی، کشاورزی، معادن و خدمات به خارجیان مطلقاً ممنوع است.»

ب) منع استخدام بیگانگان اصل ۸۲: «استخدام کارشناسان خارجی از طرف دولت ممنوع است، مگر در موارد ضروری و با تصویب مجلس شورای اسلامی.»

پ) محدودیت سازش نسبت به دعاوی یا ارجاع آنها به داوری اصل ۱۳۹: «صلح دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی یا ارجاع آن به داوری در هر مورد، موکول به تصویب هیأت وزیران است و باید به اطلاع مجلس برسد. در مواردی که طرف دعوا خارجی باشد و در موارد مهم داخلی، باید به تصویب مجلس نیز برسد. موارد مهم را قانون تعیین می کند.^۱

۱. حقی، محمد علی، ۱۳۸۰، سرمایه گذاری خارجی ضامن توسعه به شرط مدیریت، صنعت حمل و نقل، شماره ۱۲۳

۲-۱. منع امتیاز دادن به خارجی

مهمترین منع قانونی در راه جلب سرمایه های خارجی در ایران، ممنوعیت مقرر در اصل ۸۱ قانون اساسی است که از نظر ارزیابی میزان خطر برای سرمایه گذاران بالقوه، کفه ترازو را در جهت موضع سرمایه گذاری سنگینتر می کند، اما، منظور از کلمه امتیاز، که در این اصل آمده، چیست؟

آیا امتیاز به معنی واگذاری حداقل ۵۱٪ سهام به خارجیان است که در یک شرکت مختلط و به قصد اشتغال در یکی از فعالیتهای مذکور در اصل ۸۱ قانون اساسی تشکیل می شود؟ و یا به معنی سنتی و کلاسیک آن، یعنی دادن حق انحصاری بهره برداری از منابع طبیعی به خارجیان؟ و یا تنها مشارکت خارجیان در امور تجاری و صنعتی و کشاورزی و معادن را نیز در بر می گیرد؟ به عبارت دیگر، آیا ممنوعیت مقرر در اصل ۸۱ سرمایه گذاری مستقیم به وسیله سرمایه گذاران خارجی در رشته های مذکور در این اصل را شامل می شود یا نه؟

شاید به لحاظ سابقه بد تاریخی و اندیشه سلطه خارجی و نفی حاکمیت ملی، منظور از امتیاز همان معنی سنتی آن، یعنی اعطای حق انحصاری تصدی به امور مذکور در اصل ۸۱ قانون اساسی باشد. با این فرض، امتیاز دارای ویژگیهایی از قبیل عدم شمول قوانین مالیاتی، وسعت زیاد حوزه عملیات موضوع امتیاز، طولانی بودن مدت امتیاز و مانند آن خواهد بود. اگر منظور از امتیاز معنای فوق باشد، امروزه دیگر موضوعیت ندارد. زیرا، با روی کار آوردن ترتیبات قراردادی جدید، امتیاز، دیگر واژه ی مرده تلقی می شود.

۳-۱. موانع و مشکلات جذب سرمایه گذاری خارجی در حقوق داخلی

علت عدم جذب سرمایه گذاری خارجی در ایران را از زوایای متعددی می توان بررسی کرد. برخی از کارشناسان بر موانع اقتصادی و برخی دیگر بر موانع سیاسی، حقوقی و فرهنگی تاکید دارند. در مجموع می توان این موانع را در موارد زیر خلاصه کرد.

۱-۳-۱. موانع اقتصادی

مانند گسترش بیش از حد بخش دولتی، نوسانات ارزی، سیاست تجاری ناکارآمد، نبود ثبات اقتصادی، عدم وجود زیرساخت های فیزیکی مناسب، ضعف بنادر، ضعف اقدامات تشویقی و ترویجی و خدمات پس از سرمایه گذاری، عدم مهارت کافی نیروی انسانی و... از جمله مواردی هستند که می توان از آنها به عنوان موانع اقتصادی جذب سرمایه های خارجی یاد کرد. برخی از موانع اقتصادی در زیر آورده شده است.

الف) مالیات مضاعف: اخذ مالیات مضاعف از سرمایه گذاران خارجی و عدم تطابق قوانین سرمایه گذاری در ایران با کشورهای کانون سرمایه از موانع موجود است. اینکه سرمایه گذار، هم به موجب قانون کشور خود و هم کشور میزبان مالیات جداگانه بپردازد، معقول نیست و سبب جلوگیری از سرمایه گذاری مشترک می شود.

ب) تغییرات زود هنگام مقررات ارزی، پولی و گمرکی: تغییرات زود هنگام این مقررات، اصل ثبات محیط سرمایه گذاری را از بین برده و خود را در پارامتر ریسک های سرمایه گذاری در ایران تجلی می دهد. بدیهی است که وقتی ریسک محیط اقتصادی سرمایه گذاری در ایران افزایش می یابد، تمایل به سرمایه گذاری کاهش خواهد یافت.

ج) موانع نظام بانکی: مروری بر روند دو ساله اخیر عملیات اجرایی نظام بانکی نشان می دهد که در این زمینه مشکلات عمده ای در راه جذب سرمایه های خارجی وجود دارد، نظام بانکی کشور، به علت ساختار عمدتاً دولتی - انحصاری و بدون رقابت، خود تاکنون به طور شایسته در صدد انطباق خویش با دیگر نظام های بانکی جهان بر نیامد و از تحولات مربوط به توسعه خدمات و

بازارهای پولی و اعتباری، توسعه تکنولوژی ارتباطات، مشارکت با بانکها و موسسات مالی معتبر در جهان در زمینه توسعه منابع خود غافل مانده است. بانکهای معتبر خارجی با ایجاد تسهیلات ویژه فراوان، امکان افتتاح حسابهای مختلف در سراسر جهان را برای صادرکنندگان و تولیدکنندگان کشور خود فراهم کرده و پس از مدتی نیز انواع اعتبارات را در اختیارشان قرار می‌دهند، در حالی که در کشور ما در این زمینه تسهیلات برای انتقال ارز وجود ندارد.

معمولا فرآورده‌ها و تولیدات یک پروژه به ارز محلی تعیین قیمت می‌شود. در حالی که بخش مهمی از سرمایه در قراردادهای سرمایه‌گذاری از منابع ارزی خارجی تامین می‌شود. بنابراین، سرمایه‌گذاران خواهان تامین اصل و فرع سرمایه به ارز خارجی به نرخ واقع‌بینانه هستند. بنابراین نظام بانکی باید مکانیسم‌هایی را به منظور دستیابی به اهداف زیر به وجود آورد، برخی از این مکانیسم‌ها عبارتند از: امکان تبدیل بدون اشکال پول داخلی به ارز خارجی، وجود پشتوانه مالی کافی برای تبدیل پول داخلی به ارز خارجی، نگهداری نرخ تبدیل ارز در سطحی قابل قبول، امکان خارج نمودن ارز خارجی پس از تبدیل.

د) مواد اطلاع‌رسانی: موانع اطلاع‌رسانی از دو سو مطرح است، یکی از ضعف اطلاعات و عدم شناخت متقاضیان داخلی از کانون‌های سرمایه در جهان و ندانستن شرایط دقیق جذب سرمایه‌ها و عدم آشنایی به فنون مذاکره ناشی می‌شود و دیگری به عدم اطلاع کانون‌های سرمایه‌گذار از وجود طرح‌های دارای بازده و فرصت‌های اقتصادی در کشور باز می‌گردد.

ه) مساله تقاضا: اطمینان از وجود تقاضا برای طرف سرمایه‌گذار تردیدهایی را به وجود می‌آورد و ریسک پروژه را افزایش می‌دهد. به عنوان مثال؛ پروژه‌های نیروگاهی نیازمند تضمین خرید محصول از سوی دولت میزبان است که این امر با نفس قراردادهای سرمایه‌گذاری (قبول ریسک از طرف سرمایه‌گذار) تناقض دارد. همچنین، تخمین بیش از حد تقاضا، ممکن است مشکلاتی را برای بخش عمومی در قراردادهای سرمایه‌گذاری جبرانی، ایجاد کند.

و) عدم امکان تبدیل مستقیم درآمد ناشی از تورم: چنانچه پس از پایان دوران سرمایه‌گذاری، صاحب سرمایه، سرمایه غیرنقدی خود را به فروش رساند و در نتیجه افزایش شاخص قیمت‌ها، از راه فروش سرمایه غیرنقدی خود درآمدی بیش از آنچه هنگام ورود سرمایه به عنوان سرمایه غیرنقدی به ثبت رسانده است، به دست آورد، حق تبدیل این اختلاف قیمت را به ارز به منظور خارج نمودن از ایران ندارد. بلکه می‌تواند صرفا آن را صرف صدور کالاهای ایرانی کند.

ز) محدودیت زمانی سرمایه‌گذاری خارجی در ایران: از مفاد مقررات آیین نامه اجرای قانون سرمایه‌گذاری خارجی در ایران چنین مستفاد می‌شود که جواز سرمایه‌گذاری در ایران محدود به مدتی است که در مجوز صاحب سرمایه درج می‌شود. اگر پس از سپری شدن این مدت، صاحب سرمایه سود و اصل سرمایه خود را به خارج از ایران منتقل نسازد، برای ادامه سرمایه‌گذاری خود نیز مطابق با مقررات قانون و آئین‌نامه اجرای جلب و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی، مجوز مجدد تحصیل نکند، از حمایت‌های قانونی محروم خواهد ماند.^۲

۲-۳-۱. موانع حقوقی

وجود قوانین و مقررات و خط‌مشی‌های روشن مرتبط با سرمایه‌گذاری خارجی از قبیل قوانین گمرکی، مالیاتی تجاری و ... از جمله اشکال تسهیل‌کننده سرمایه‌گذاری خارجی در ایران هستند. اما کشور ما دارای قوانین و مقرراتی است که موانع و محدودیت‌های جدی را در راه جذب سرمایه‌گذاری خارجی ایجاد کرده است. از جمله این قوانین اصولی از قانون اساسی (اصل ۱۳۹، ۸۱، ۷۷، ۶۶)، قانون جلب و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی مصوب سال ۱۳۳۴ و سایر قوانین مرتبط با سرمایه‌گذاری

۲. اشرف، احمد، ۱۳۵۹، موانع تاریخی سرمایه‌داری در ایران، انتشارات زمینه، چاپ اول

خارجی است. به طور کلی قانون سرمایه‌گذاری خارجی دارای ساختار حقوقی ناهنجاری است که توسعه اقتصادی کشور را در چنبره خود محبوس کرده است.

از دیگر نکات منفی حقوقی قانون جدید سرمایه‌گذاری خارجی این است که قانونگذار تلاشی نکرده که بتواند سرمایه‌گذار خارجی را وادار به انتقال فناوری سازد یا آن را به سوی تولیدات با فناوری بالا (High Tec) هدایت کند. قانونگذار ایرانی توجهی به حق امتیازهایی که برای واردات فناوری از خارج داده می‌شود، نداشته و محدودیتی در این مورد ایجاد نکرده است. آنچه مورد نظر قانونگذار بوده مسائل مالی پیرامون سرمایه‌گذاری خارجی بوده و به تازگی نیز به این نکته که سرمایه‌گذاری خارجی می‌تواند منجر به گسترش صادرات شود، عنایت اندکی شده است. حتی اشاره‌ای به آموزش‌هایی که توسط سرمایه‌گذاران داده می‌شود و از راه‌های اصلی انتقال فناوری است، نشده است.

۳-۳-۱. موانع سیاسی

طی سال‌های اخیر، در کنار و همراه با جهانی شدن اقتصاد و تجارت، بررسی ریسک سیاسی نیز اهمیت روزافزون یافته است. سرمایه‌گذاران خارجی و همچنین دولت‌ها در کشورهای میزبان به این بررسی توجهی خاص نشان می‌دهند. برای دولت‌ها، علت اصلی و اساسی بررسی زمینه‌های ریسک سیاسی، این است که موفقیت خویش را در طلب سرمایه خارجی، تضمین و در صورت امکان با هزینه کمتری شرکت‌های فراملیتی را به سرمایه‌گذاری در کشور خود تشویق کنند. علت توجه شرکت‌های سرمایه‌گذار به بررسی ریسک سیاسی نیز روشن است. سرمایه‌گذاران می‌کوشند با اطمینان خاطر بیشتری از سرمایه‌گذاری در کشوری دیگر بهره‌مند شوند بر خلاف نگرشی که در چند دهه پیش وجود داشت، امروزه کمتر کشوری در جهان است که با همه توان برای جذب سرمایه خارجی نکوشد. رقابت و مسابقه‌ای بی‌امان برای جلب سرمایه خارجی در جریان است که توفیق در آن نه تنها از دیدگاه دولتمردان که حتی از دید شهروندان عادی نیز بازتاب مقبولیت سیاست‌ها و جذابیت فضای اقتصادی و سیاسی است. سرمایه‌گذاران خارجی برای برآورد امکانات بالقوه سودآوری در یک سرزمین تازه، به ارزیابی امنیت سرمایه و سودهای به دست آمده نیز می‌پردازند و برخلاف دیدگاهی که گاه تبلیغ می‌شود، شرکت‌های چند ملیتی، بادقت و وسواس بسیار دست به این نوع سرمایه‌گذاری‌ها می‌زنند در مناطقی که شرایط کلی به نظر شرکت‌های سرمایه‌گذار جذاب می‌آید، برای نمونه در آمریکا و اتحادیه اروپا، سرمایه‌گذاری شرکت‌های چند ملیتی چشمگیر است و اما در جوامع دیگر که به درست و یا نادرست این ارزیابی مثبت از آنها وجود ندارد، کوشش دولتمردان ناموفق می‌ماند. برای مثال، جمهوری‌های شوروی سابق با همه امکانات بالقوه‌ای که دارند در این راستا ناموفق مانده‌اند. به دیگر سخن، در خصوص سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، اولین و مهمترین قدم برای موفقیت رونق اقتصادی کشوری است که می‌خواهد سرمایه جلب کند.^۳

۲- موانع جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران

ایران با وجود شرایط سخت اقتصادی و نیاز مبرم به سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی، در جذب این منابع مالی موفق نبوده است. براساس گزارشات منتشره در فاصله سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۷۹، ایران در بین ۶۰ کشور پذیرنده سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، رتبه پنجاه و نهم و در میان هشت کشور منطقه رتبه هفتم را کسب کرده است. این مهم ناشی از مسائل و موانع زیر می‌باشد:

۲-۱. ضعف اقتصادی

^۳. نشست تخصصی دکتر موسی غنی‌نژاد / دکتر مهدی نواب با موضوع سرمایه‌گذاری خارجی

سرمایه گذاری به طور اعم چه داخلی و چه خارجی در مکانی صورت می گیرد که امنیت وجود داشته باشد. امنیت اقتصادی اصولاً ناظر بر حقوق مالکیت افراد و تضمین اجرای قرار دادها است. منظور از حقوق مالکیت فردی، حقوق مالکیت خصوصی است.

۲-۲. اعطای امتیازات و تسهیلات نادرست به سرمایه گذاران

یکی از اشتباهات رایج در ایران تلقی اعطای امتیازات و تسهیلات به سرمایه گذاران به جای تضمین قراردادها در چارچوب ایجاد امنیت سرمایه گذاری است. این مساله نه تنها به سرمایه گذاری در کشور کمک نکرده بلکه باعث ایجاد فساد و خارج شدن سرمایه گذاری از مسیر اصلی شده است. یعنی کسانی وارد میدان سرمایه گذاری شده اند که سرمایه گذار نبوده و صرفاً با بهره گیری از شرایط رانتی اقتصاد و سوء استفاده از امتیازات و تسهیلات اعطایی، اقدام به فعالیت کرده اند. ارائه ارز ارزان قیمت، تسهیلات بانکی و معافیت‌های مختلف زمینه ساز ایجاد رانت است. این مساله، روند سرمایه گذاری و تولید را دچار اختلال کرده است.

۲-۳. دیوان سالاری گسترده

بزرگترین عامل ناامنی در اقتصاد ایران به طور عام و سرمایه گذاری به طور خاص، دیوانسالاری دولت است. علت عمده این مساله، مقررات دست و پاگیر و وجود نهادهای مشابه و موازی است. حکومت قانون با اجرای مقررات زیاد و آئین نامه های متعدد همخوانی ندارد. در حقیقت مقررات وقتی زیاد می شود، اجرا نمی گردد. مقررات زیاد به معنای بیرون آمدن از حکومت قانون و آزاد گذاشتن دست اراده های خاص و افزودن به قدرت دیوان سالاران است. در ایران آنچه وجود داشته حکومت مقررات موازی، دست و پاگیر و بعضاً متناقض تا حکومت قانون بوده است.

۲-۴. مشکلات نهادی و قانونی

۲-۴-۱. قانون کار

یکی از مهمترین عوامل ناکارآمدی و ناامنی سرمایه گذاری، قانون کار است. این قانون با این پیش فرض که کارفرما می خواهد کارگر و کارمند را استثمار کند و قانون کار مانع از این عمل می شود، شکل گرفته است. این مساله عدم اعتماد میان کارگر و کارفرما و ناامنی سرمایه گذاری و تولید را موجب شده است. قانون کار باید بر مبنای همسوئی منافع کارگر و کارفرما و نه در جهت تضاد منافع آنها تنظیم شود.

۳- رفع جدی و سریع موانع سرمایه گذاری خارجی

امروزه سرعت در شناسایی موانع و مشکلات و رفع آنها مهم و حیاتی است. در سال ۱۹۸۷ موانع سرمایه گذاری در ۳۳ کشور تقریباً مشابه بوده است. در طول ۱۳ سال سرعت اصلاح و رفع موانع در میان این کشورها متفاوت بوده است. در این میان کمترین سرعت مربوط به ایران و سوریه می باشد. بالاترین سرعت از آن چین است. همچنین از سال ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۰، ۱۱۸۵ قانون در کشورهای مختلف برای جذب سرمایه گذاری خارجی به تصویب رسیده است. در سال ۲۰۰۰، ۶۵ کشور اقدام به تغییر قانون برای جذب سرمایه کرده اند. این روند، در ایران بسیار کند و بطئی بوده است.

۴- کاهش ریسک سیاسی

کاهش ریسک سیاسی نیز به اندازه کاهش ریسک اقتصادی در جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی باید مورد توجه قرار گیرد. به طور طبیعی سرمایه گذاران برای حضور مطمئن در کشوری بیگانه به دولت متبوع خود متکی است. در این شرایط اگر روابط دو

جانبه دولت میزبان و دولت متبوع سرمایه گذار خوب باشد و در عین حال دولت میزبان اعتبار بین الملل داشته باشد، این مهم در جلب اعتماد و اطمینان سرمایه گذار خارجی برای فعالیت در کشور میزبان بسیار موثر خواهد بود. بنابراین دستگاه دیپلماسی کشور با تنظیم قابل اعتماد روابط دو جانبه و بالا بردن جایگاه سیاسی کشور در این زمینه نقش مهمی می تواند ایفا کند.

۵- برنامه ریزی مشخص برای بهره گیری مناسب از سرمایه گذاری خارجی

قبل از پذیرش سرمایه گذاری های خارجی باید برنامه مشخص برای نحوه استفاده از این منابع ارائه شود. این برنامه باید بر تعیین اولویت بهره گیری از سرمایه گذاری خارجی یعنی جبران منابع مالی، جذب تکنولوژی های روز یا سیستم های کارآمد مدیریتی یا همزمان هر سه مورد، مبتنی باشد. ضمن اینکه بخشهای اقتصادی یا صناعی که بازدهی بیشتری برای کشور به لحاظ ایجاد درآمد ارزی بیشتر، افزایش اشتغال و کمک به حضور موفق قرار بازارهای جهانی دارند، باید در اولویت جذب سرمایه گذاری خارجی قرار گیرند.

۶- پیوند سرمایه گذاری های خارجی با بخش خصوصی

سرمایه گذاری خارجی به مفهوم واقعی کلمه زمانی جذب می شوند که با بخش خصوصی کشور میزبان پیوند بخورند و با فعالیت مشترک داشته باشند. بنابراین لازمه سرمایه گذاری خارجی، وجود یک بخش خصوصی قدرتمند است.^۴

در مجموع اینکه سرمایه گذاری در اقتصاد کلان از اهمیت ویژه ای برخوردار است، چرا که پس از مصرف دومین جزء بزرگ تابع تقاضای کل را شکل می دهد. از سوی دیگر، به رغم مصرف که ثبات بیشتری دارد سرمایه گذاری ماهیت متغیری داشته و نسبت به عوامل محیطی بسیار حساس است. از این رو دولتها سعی می نمایند به شیوه های گوناگون نسبت به توسعه جذب سرمایه گذاری های داخلی و خارجی مبادرت ورزند. هرچند در مواردی بنگاه ها به امید کسب بازدهی بالا اقدام به سرمایه گذاری های خطر پذیر می نمایند، اما به طور کلی سرمایه گذاری فرایندی است که با ریسک و مخاطره سازگار نیست. در این شرایط دولت های توسعه گرا موظفند سیاستگذاری های اقتصادی و صنعتی را در محیط باثبات به انجام رسانند. حفظ ثبات یک سیستم اقتصادی نیز مستلزم ایجاد آرامش و شفافیت در نظام های حقوقی، اداری، سیاسی و توسعه روابط دیپلماتیک با سایر کشورهای جهان است. مطابق آنچه که گفته شد، عوامل متعددی در کاهش و افزایش ریسک های سرمایه گذاری صنعتی در کشورها از جمله کشور ما مؤثرند که در بسیاری موارد می توان با برنامه ریزی دقیق نسبت به اصلاح و تعدیل آنها اهتمام ورزید. در اینجا راهکارهایی برای کاهش ریسک سرمایه گذاری صنعتی در کشور ارائه می گردد.

با توجه به اینکه قانون مبنای همه فعالیت ها در جامعه است کاهش ریسک سرمایه گذاری در بخش صنعت کشور پیش از هر تلاشی مستلزم بازبینی و اصلاح قوانین است تا بتواند به جای سرکوب و ایجاد سد در برابر فعالیت بخش خصوصی نقش بسترساز و مشوق فعالیت این بخش را ایفا نماید. از سوی دیگر، قانون در کنار تصویب می بایست از ضمانت اجرای لازم برخوردار باشد تا به اهداف مورد نظر دست یابد. لذا پیشنهاد می گردد ضمن بازبینی بسیاری از قوانین و مقررات اقتصادی و صنعتی تدابیری به منظور حسن اجرای قوانین از سوی مراجع ذیربط اتخاذ تا در عمل مهم ترین دغدغه فعالان بخش صنعت در کشور مرتفع گردد. پیشنهاد دقیق آنکه ظرفیت های ماده (۶۲) قانون برنامه پنجم توسعه مبنی بر ایجاد کار گروهی به منظور بررسی قوانین و مقررات با رویکرد شناسایی قوانین دست و پاگیر و موجب اختلال در سرمایه گذاری و کسب و کار و انتشار کتاب سال با هدف کاهش بوروکراسی ها و افزایش شفافیت در صدور مجوزها و موافقت های سرمایه گذاری به خوبی به کار گرفته شود و

۴. اشرف، احمد، موانع تاریخی سرمایه داری در ایران، انتشارات زمینه، ۱۳۵۹، چاپ اول

دولت در تحقق آن اهتمام ویژه ای ورزد. همچنین، با توجه به گذشت بیش از ۲ سال از تصویب و ابلاغ قانون برنامه پنجم توسعه همچنان برگزاری نشست های شورای گفتگوی دولت و بخش خصوصی موضوع ماده (۷۵) آن قانون چندان شکل عملیاتی نیافته تا بتواند به اهداف متعالی خود در راستای تقریب دیدگاه های دولت و بخش خصوصی منجر گردد.

وجود بوروکراسی های اداری پیچیده موجب بلا تکلیفی سرمایه گذاران گردیده است. این پیچیدگی های بسیار در قوانین و مقررات زمینه کاهش شفافیت و افزایش ریسک سرمایه گذاری صنعتی در کشور را فراهم نموده است. الزام دستگاه های اجرایی به شفاف سازی فرایندهای اداری و تسهیل در ارائه خدمات و پاسخگویی به متقاضیان سرمایه گذاری داخلی و خارجی بالطبع به کاهش ریسک های سرمایه گذاری در کشور منجر خواهد شد. برای این منظور الزام دستگاه های اجرایی به ایجاد میز خدمت در محل دستگاه ها و همچنین الکترونیکی سازی ارائه خدمات به طیف مخاطبان خود و حذف ضرورت مراجعه مکرر افراد به دستگاه های اجرایی می تواند نقش بسزایی در کاهش بوروکراسی های اداری ایفا نماید، همچنین دولت محترم می بایست بر عملیاتی نمودن ماده (۷۰) قانون برنامه پنجم توسعه مبتنی بر ایجاد پنجره واحد فعالیت های اقتصادی و حذف ضرورت استعلام های چندگانه و موازی به منظور صدور مجوز فعالیت های اقتصادی تأکید ویژه نماید.

نوسان های شاخص های اقتصاد کلان به عنوان نشانه های بی ثباتی یک اقتصاد، حاوی پیام های معناداری از ریسک سرمایه گذاری در کشورهای مختلف است که توسط نهادهای بین المللی و سرمایه گذاران چند ملیتی به طور مرتب رصد می شوند. از این رو جهت گیری دولت در اجرای برنامه های اقتصادی خود باید به نحوی باشد که کمترین شوک و نوسان را در شاخص های اقتصاد کلان از جمله نرخ ارز و تورم ایجاد نماید و برای این منظور حفظ استقلال بانک مرکزی به عنوان سیاستگذار پولی کشور و اعمال مدیریت صحیح در بازار پول و ارز می تواند نقش راهبردی مهمی در جهت کاهش ریسک های سرمایه گذاری در بخش صنعت کشور ایفا نماید، همچنین سیاستگذاری مناسب و اعمال نظارت فعال بانک مرکزی بر نحوه تأمین مالی طرح های سرمایه گذاری در بخش صنعت از اهمیت زیادی برخوردار است. تورم به عنوان عامل اختلالگر در فعالیت های اقتصادی به شدت بر دامنه ریسک های سرمایه گذاری در کشور افزوده است. از این رو دولت با سیاستگذاری صحیح و اعمال نقش تنظیم کننده می بایست در راستای تعدیل و مهار تورم ساختاری کشور اهتمام ویژه ای نماید.

وجود رانت و نابرابری در دسترسی به امکانات و اطلاعات مورد نیاز جهت سرمایه گذاری از عارضه های مخربی است که لطمات بسیاری را بر محیط کسب و کار داخلی کشورهای در حال توسعه وارد نموده است. به طور قطع دولت می بایست در مبارزه با رانت به ویژه در بخش صنعت اهتمام ورزد. تصویب قوانین و مقررات ضد رانت و ایجاد حس برابری در جامعه می تواند مخاطرات سرمایه گذاری صنعتی را با کاهش چشمگیری مواجه سازد.

- یکی از مسائلی که ارتباط بسیار نزدیک با ریسک سرمایه گذاری در کشورهای مختلف دارد نحوه جهت گیری کشورها در مسائل سیاسی است. این جهت گیری هم در سطح داخلی و هم بین المللی بر مخاطرات سرمایه گذاری بسیار تأثیرگذار است. در عرصه داخلی، پرهیز از برخورد جناحی و سلیقه ای در حوزه تصمیم گیری های سیاسی و التزام به قانون و مصالح ملی در این زمینه مهم ترین راهکارهای کاهش آثار سوء مسائل سیاسی بر محیط سرمایه گذاری صنعتی کشور است، همچنین در عرصه بین المللی اعتماد سازی و توسعه تعامل با دیگر کشورها به عنوان مهم ترین راهکار قلمداد می شود.

- اصلاح نظام تأمین مالی و ارتقای جایگاه بازار سرمایه در کشور به جای وابستگی محض به منابع محدود بانکی به عنوان راهکاری ضروری برای کاهش ریسک سرمایه گذاری صنعتی در کشور پیشنهاد می گردد.

- پایبندی دولت به تعهدات قانونی خود اعم از تأمین زیرساخت های مورد نیاز سرمایه گذاران صنعتی، در صورت استقرار در نواحی و شهرکهای صنعتی می تواند نقش بسزایی در کاهش ریسک سرمایه گذاری صنعتی در کشور ایفا نماید.^۵

۷- موانع اداری سرمایه گذاری خارجی در کشورهای در حال پیشرفت

دولتها، هزینه های اداری بسیار سنگینی بر شرکتهایی که مایل به ایجاد و گسترش یک حرفه جدید می باشند، تحمیل می کنند. در حالی که وجود برخی از این هزینه ها و دستورالعمل های اداری، امری ضروری و لازم است، اما برخی دیگر از این مراحل اداری و هزینه های مرتبط با آنها کاملاً غیر ضروری هستند، به همین دلیل، تعداد و مقدار آنها در کشورهای مختلف با هم تفاوت چشمگیر دارد. آمار و ارقام ارائه شده در این بررسی حکایت از آن دارد که هزینه های اداری پیش روی سرمایه گذاران خارجی در کشورهای آفریقای جنوبی، زامبیا و شیلی در پایین ترین حد و در کشورهای موزامبیک، ترکیه و رومانی در بالاترین حد قرار دارد. تفاوت بین کشورهایی که دارای بیشترین و کمترین میزان هزینه های اداری برای سرمایه خارجی هستند، آنقدر عظیم و گسترده است که به عنوان نمونه می توانیم به این نکته بسنده کنیم که هزینه متوسط هر دستورالعمل در موزامبیک ۱۰ برابر آفریقای جنوبی است.

دسترسی به زمین و توسعه محل جزو منابع عمده بروز تاخیر در بسیاری از کشورها به شمار می آید و از این نظر موارد بعدی به نیازمندی های عملیاتی و فرآیند واردات صادرات، به ویژه در آفریقا اختصاص دارد. هر چند، ثبت کسب و پیشه در مقایسه با دسترسی به زمین و توسعه محل، هزینه های چندانی را به دنبال نمی آورد، اما هزینه های مربوط به ثبت در کشورهای مختلف تفاوت های بسیاری دارد. به طور کلی، هیچ همبستگی مثبت نظام مندی بین تعداد دستورالعمل های اداری و هزینه های ناشی از آن (پولی و زمانی وجود ندارد. این امر بیانگر این نکته است که تعداد این مراحل، تا حد زیادی بستگی به میزان تمایل یا توانایی دولتها برای حمایت از حقوق شهروندان و حفظ منافع آنها دارد و این در حالی است که هزینه های مربوط با این مراحل، به گروه های ذینفع و پر قدرت برای برخورداری از رانت های بیشتر که این هزینه ها را افزایش می دهند، ارتباط دارد. در نهایت، وجود همبستگی مثبت و قوی بین هزینه های اداری مربوط با ثبت حرفه جدید حکایت از آن دارد که دولت ها از نظر برخورد با سرمایه گذاری خارجی چه قبل از شروع یک حرفه جدید و چه بعد از آن، به گونه ای واحد عمل می کنند و این عدم تغییر ما را به این نتیجه می رساند که فرضیه وضع قوانین و مقررات دست و پاگیر برای ثبت شرکتهای از سوی دولت ها، چندان مورد قبول و معتبر نیست.^۶

هنگامی که سیاستگذاران و مشاوران سیاسی می کوشند از خطوط قرمز بکاهنده منظور آنها از میان برداشتن خطهای قرمز موجود در مسایل اداری، فناوری و سازمانی است. تاکید اصلی آنها در این حالت، حول محور جنبه های اداری و بوروکراتیک قضیه متمرکز می گردد که آن هم به دلیل وجود دستورالعمل ها و مراحل پیچیده و پرهزینه در ادارات متمرکز است. ما شاهد بودیم که بخش عمده این پیچیدگی ها در نتیجه وجود پرسشنامه های غیر ضروری، امضاها و اسناد و مدارک اضافی به وجود می آید. در این بین، فناوری های جدید می تواند به عنوان ابزاری نیرومند در کاستن این هزینه ها و مراحل پیچیده عمل کند و با مرتبط ساختن نهادها و سازمان ها از طریق شبکه های مجازی شرایطی را فراهم آورد که تحت آن، نه تنها ارتباط میان سرمایه گذاران و

^۵ میرزا خانی، حسن، ۱۳۹۲، شناسایی مهم ترین عوامل افزایش ریسک سرمایه گذاری در بخش صنعت ایران و ارائه راهکارهایی به منظور کاهش آثار

منفی آنها، مجله اقتصادی شماره های ۹ و ۱۰، ص ۲۳-۴۸

^۶ ژاک موریس، اولیویه لومنگانزو؛ مجله: نامه اتاق بازرگانی « دی ۱۳۸۵ - شماره ۶۶۵ (۲ صفحه - از ۷ تا ۸)

ادارات دولتی تسهیل و تسریع می‌گردد، بلکه ارتباطات درون خود ادارات و سازمانهای دولتی نیز بهبود می‌یابد. نظرات و پیشنهادات سنتی رایج مهم هستند اما کافی نیستند. براساس یافته‌های ما، جای تعجب ندارد که تلاشها و کوششهای اخیر در جهت کاهش موانع اداری موجود نتوانسته است به موفقیت چندانی منتهی گردد علت اصلی عدم موفقیت را باید در فقدان اراده جمعی واحد بین بخش های دولتی و کارمندان سطوح میانی دولت جستجو کرده یعنی کسانی که ترجیح می‌دهند وضعیت نابسامان کنونی همچنان باقی بماند، پس باید کوشید تا هم ذهنیت های موجود و هم رفتارهای کنونی تغییر یابد که برای این کار به زمان کافی، اقدامات جدی و پیگیر و تعهد واهتمام مقامات سیاسی، نیاز داریم، تجزیه و تحلیل های ما نشان داده است که تعدیل و ترمیم مراحل پیچیده اداری موجود امری دشوار و سخت خواهد بود.

هزینه های اداری یکی از مشخصه های بنیادین هر کشور به شمار می‌آیند. کشورهایی که دارای سطوح بالاتری از فساد و رشوه خواری هستند، کیفیت حاکمیت در آنها پایین تر است، میزان باز بودن نظام مالی آنها اندک و دستمزدهای کارمندان دولتی در آنها پایین است و دارای هزینه های اداری به مراتب بیشتری هستند. به نظر می‌رسد اصلاحات اداری را باید به اصلاحات گسترده تر و عمومی تری از جمله اصلاحات تجاری و آزادسازی ملی و فساد بخش عمومی تسری داد. اولین مسیر شامل جستجوی راههایی برای بهبود اطلاعات و داده هاست. نه تنها این نیاز احساس می‌شود که باید کیفیت اطلاعات مربوط به کشورهای مورد بررسی بهبود یابد بلکه باید در تحقیقات بعدی، تعداد زیادی از کشورهای آمریکای لاتین و آسیای جنوب شرقی را نیز به فهرست کشورهای مورد بررسی اضافه کرد.

دومین مسیر عبارتست از استفاده و بهره گیری از اطلاعات جمع آوری شده به منظور کمک به دولت ها در جهت بهبود اوضاع اداری و تعیین اهداف مدون و حرکت تدریجی از سوی این اهداف در طول زمان این تلاش ها باید با هدف ایجاد تحول در نظامهای حقوقی و قضایی و مدیریتی صورت گیرد تا به نتایج مورد نظر این تحقیق نزدیک شود.

سومین مسیر برای تحقیقات آینده می‌تواند پا را از این هم فراتر نهد و بکوشد علت و ماهیت وجودی بروز تغییر در هزینه های اداری در سطح کشورهای مختلف را شناسایی کند و تاثیر عوامل خارجی مانند ویژگی های فناوری و سازمانی از قبیل رواج شبکه های مجازی بر این هزینه را مشخص و تجربیات کشورهای موفق در این عرصه را به سایر کشورها منتقل سازد. در نهایت، آخرین مسیر برای تحقیقات آتی بر می‌گردد به بررسی و کنکاش تاثیر هزینه های اداری بر تصمیمگیری سرمایه گذاران در مورد محل سرمایه گذاری و میزان بهره وری شرکت ها بخشی از این اثرگذاری، در بررسی ما و تحلیل های آن گنجانده شده است که به عنوان نمونه می‌توان به آمار و ارقام زیر اشاره کرد: در ازای هر ۱۰ درصد کاهش در هزینه های اداری برای سرمایه گذاران خارجی براساس درصد GDP، نسبت FDI به GDP حدود ۲/۱ درصد افزایش می‌یابد.

این نتایج تجربی را باید به طور جدی ارقام نشان می‌دهد که تاثیر مثبت کاهش هزینه های اداری بر رشد سرمایه گذاری مستقیم خارجی، تا چه حد قابل توجه است. این امر، باید انگیزه قوی برای تحقیقات آینده شود.^۷

مهمترین منع قانونی در راه جلب سرمایه های خارجی در ایران، ممنوعیت مقرر در اصل ۸۱ قانون اساسی است که از نظر ارزیابی میزان خطر برای سرمایه گذاران بالقوه، کفه ترازو را در جهت موضع سرمایه گذاری سنگینتر می‌کند، باید بپذیریم که اصل ۸۱ قانون اساسی، جهت جلوگیری از انحصار خارجی بنا شده و خارجیان را از داشتن سهام شرکت های ایرانی منع نکرده است. به هر حال، یک راه حل دقیق، که بتواند تفسیری دقیق درباره اصل ۸۱ قانون اساسی باشد، هنوز ارائه نشده و برخی، در تفسیر این اصل

^۷. ژاک موریه، اولیویه لومنگانزو؛ مجله: نامه اتاق بازرگانی « دی ۱۳۸۵ - شماره ۴۶۵ (۲ صفحه - از ۷ تا ۸)

تا به آنجا پیش رفتند که حتی، ثبت شعب و نمایندگی های شرکت های خارجی را نیز امکانپذیر می دانند و اجرای ماده ۳ قانون ثبت شرکتها را نیز غیر ممکن می پندارند. سرانجام، مجلس شورای اسلامی با تصویب «قانون اجازه ثبت شعبه یا نمایندگی شرکت های خارجی، به کلیه بحث ها در این باره پایان داد و راه را برای فعالیت شرکتها و موسسات خارجی هموار ساخت. دولتها، هزینه های اداری بسیار سنگینی بر شرکتهایی که مایل به ایجاد و گسترش یک حرفه جدید می باشند، تحمیل می کنند. در حالی که وجود برخی از این هزینه ها و دستورالعمل های اداری، امری ضروری و لازم است، اما برخی دیگر از این مراحل اداری و هزینه های مرتبط با آنها کاملاً غیر ضروری هستند، به همین دلیل، تعداد و مقدار آنها در کشورهای مختلف با هم تفاوت چشمگیر دارد. هزینه های اداری یکی از مشخصه های بنیادین هر کشور به شمار می آید. کشورهایی که دارای سطوح بالاتری از فساد و رشوه خواری هستند، کیفیت حاکمیت در آنها پایین تر است، میزان باز بودن نظام مالی آنها اندک و دستمزدهای کارمندان دولتی در آنها پایین است و دارای هزینه های اداری به مراتب بیشتری هستند. به نظر می رسد اصلاحات اداری را باید به اصلاحات گسترده تر و عمومی تری از جمله اصلاحات تجاری و آزادسازی ملی و فساد بخش عمومی تسری داد. اولین مسیر شامل جستجوی راههایی برای بهبود اطلاعات و داده هاست. نه تنها این نیاز احساس می شود که باید کیفیت اطلاعات مربوط به کشورهای مورد بررسی بهبود یابد بلکه باید در تحقیقات بعدی، تعداد زیادی از کشورهای آمریکای لاتین و آسیای جنوب شرقی را نیز به فهرست کشورهای مورد بررسی اضافه کرد.

۸- موانع جذب سیاست خارجی ناشی از نظام حقوق بین الملل

طی سال های اخیر، در کنار و همراه با جهانی شدن اقتصاد و تجارت، بررسی ریسک سیاسی نیز اهمیت روزافزون پیدا کرده است. سرمایه‌گذاران خارجی و همچنین دولت‌ها در کشورهای میزبان به این بررسی توجهی خاص نشان می‌دهند. برای دولت‌ها، علت اصلی و اساسی بررسی زمینه‌های ریسک سیاسی، این است که موفقیت خویش را در طلب سرمایه خارجی، تضمین و در صورت امکان با هزینه کمتری شرکت‌های فراملیتی را به سرمایه‌گذاری در کشور خود تشویق کنند. علت توجه شرکت‌های سرمایه‌گذار به بررسی ریسک سیاسی نیز روشن می‌باشد. سرمایه‌گذاران می‌کوشند با اطمینان خاطر بیشتری از سرمایه‌گذاری در کشوری دیگر بهره‌مند شوند بر خلاف نگرشی که در چند دهه پیش وجود داشت، امروزه کمتر کشوری در جهان هست که با همه توان برای جذب سرمایه خارجی نکوشد. رقابت و مسابقه‌ای بی‌امان برای جلب سرمایه خارجی در جریان است که توفیق در آن نه تنها از دیدگاه دولتمردان که حتی از دید شهروندان عادی نیز بازتاب مقبولیت سیاست‌ها و جذابیت فضای اقتصادی و سیاسی می‌باشد. سرمایه‌گذاران خارجی برای برآورد امکانات بالقوه سودآوری در یک سرزمین تازه، به ارزیابی امنیت سرمایه و سودهای به دست آمده نیز می‌پردازند و برخلاف دیدگاهی که گاه تبلیغ می‌شود، شرکت‌های چند ملیتی، بادقت و وسواس بسیار دست به این نوع سرمایه‌گذاری‌ها می‌زنند در مناطقی که شرایط کلی به نظر شرکت‌های سرمایه‌گذار جذاب می‌آید، برای نمونه در آمریکا و اتحادیه اروپا، سرمایه‌گذاری شرکت‌های چند ملیتی چشمگیر است و اما در جوامع دیگر که به درست و یا نادرست این ارزیابی مثبت از آنها وجود ندارد، کوشش دولتمردان ناموفق می‌ماند. برای مثال، جمهوری‌های شوروی سابق با همه امکانات بالقوه‌ای که دارند در این راستا ناموفق مانده‌است. به دیگر سخن، در مورد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، اولین و مهمترین قدم برای موفقیت رونق اقتصادی کشوری است که می‌خواهد سرمایه جلب نماید.

به منظور هرچه بهتر شدن شرایط سرمایه‌گذاری پیشنهادهایی کلی برای کشورها ارائه می‌شود:

۱ - برقراری کامل امنیت اقتصادی و قضایی در کشور.

۲ - مبارزه جدی با فساد اداری و مالی.

- ۳ - اجرای سیاست‌های آزادسازی و خصوصی‌سازی به صورت برنامه‌ریزی شده، کاملاً تدریجی و با حضور سرمایه‌گذاران خارجی، یعنی سرمایه‌گذاران خارجی نیز در برنامه‌های خصوصی‌سازی سهمیم باشند.
- ۴ - اعمال سیاست‌های شفاف اقتصادی، اصلاح ساختار اقتصاد و تعهد به اقتصاد بازار.
- ۵ - ایجاد سیاست‌های هماهنگ پولی و مالی، کنترل کسری بودجه و تورم و استقرار یک رژیم باثبات ارزی به عنوان شاخص‌های سلامت اقتصاد کشور.
- ۶ - ایجاد زیرساخت‌های فیزیکی مناسب نظیر سیستم ارتباطی، راه، بندر و فرودگاه به خصوص در مناطق آزاد.
- ۷ - برقراری روابط دیپلماتیک قوی در عرصه جهانی، عضویت در مجامع بین‌المللی، انعقاد پیمان‌های چندجانبه سرمایه‌گذاری و پرهیز از تنش در مناسبات بین‌المللی به منظور جلب اعتماد سرمایه‌گذاران خارجی.
- ۸ - مشخص شدن جایگاه مالکیت خصوصی و محترم شمردن آن.
- ۹ - برقراری وضعیت مناسبی که در آن شرکت‌های داخلی بتوانند به صورت مستقیم وارد مذاکره با سرمایه‌گذاران خارجی شوند.
- ۱۰ - اصلاح قانون کار به گونه‌ای که آزادی عمل بیشتری به کارفرما داده شود تا در صورت مواجه شدن با عدم کارایی کارگر، بتواند وی را از کار برکنار کند.^۸

۹- راهکاری برون رفت از موانع ثبات مالکیت در جذب سرمایه

سرمایه‌گذاری‌های خارجی اعم از اینکه بخواهند بصورت مستقل و یا با مشارکت بخش عمومی و خصوصی یک کشور فعالیت نمایند و با هدف آنها بخشهای کلان اقتصاد یک کشور و مناطق آزاد و با مناطق ویژه اقتصادی مربوط به کشورها باشد بطور عام پیش فرضهایی را در ذهن خود دارند که تنها با مساعد بودن شرایط مربوط به آنها امکان سرمایه‌گذاری فراهم می‌شود و چنانچه این سرمایه‌گذارها در اولین مرحله تصمیم‌گیری خود مکانهای سرمایه‌گذاری را فاقد فضای مناسب آماده برای شروع فعالیت خود ببینند کمتر حاضر به همکاری و تحمل ریسک می‌شوند.

در ارتباط با میزان آمادگی کشورها برای جذب سرمایه‌های خارجی این نکته نیز قابل ذکر است که کشورهای رو به رشد با وجود شباهتهای زیادی که در ساختارهای اقتصادی اجتماعی آنها وجود دارد به یک میزان از تواناییها و قابلیت‌های جذب سرمایه‌های خارجی برخوردار نمی‌باشند و همین مسأله موجب شده است سهم این کشورها در جذب منابع سرمایه‌ای بین‌المللی متفاوت و ناهماهنگ باشد.

آمارهای موجود که از سوی مجامع بین‌المللی انتشار یافته است، حاکی از این واقعیت است که از حدود ۷۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری خارجی خصوصی که در سال ۹۴ در کشورهای رو به رشد انجام شده است، ۷۶ درصد مربوط به ۱۱ کشور واقع در شرق آسیا و بقیه آن سهم دیگر کشورهای جنوب این قاره و نیز کشورهای واقع در آمریکای لاتین و آفریقا می‌باشد.

بررسی‌های کارشناسان این نکته را هم روشن کرده است که عدم توفیق کشورهای روبه‌رشد در زمینه جذب سرمایه‌های خارجی، تنها به کوشش‌هایی که این کشورها برای اصلاح ساختارهای اقتصادی خود بکار برده اند متکی نمی‌باشد. به بیان دیگر با این که بسیاری از این کشورها ضعف‌های ساختاری اقتصاد خود، نظیر عدم تعادل‌های مالی و پولی، قیمت‌های کاذب، ناپایداری ارزش پول ملی و مسائلی از این قبیل را برطرف نموده‌اند و نیز با اینکه از بار هزینه‌های عمومی با کوچکتر کردن حجم مؤسسات دولتی کاسته‌اند و بسیاری از مقررات زائد و تشریفات غیر لازم را در سیاست‌های اداری خود حذف کردند مع الوصف همچنان در زمره

^۸ تین نیوز، ۱۳۹۳، بررسی چالش‌های سرمایه‌گذاری در کشور؛ موانع اقتصادی و حقوقی عاملی موثر بر عدم جذب سرمایه‌گذاری خارجی در ایران، قابل دسترس از: <https://www.tinn.ir/>

کشورهای ناموفق در جذب سرمایه های خارجی شناخته می شوند. بررسی علل عدم توفیق این کشورها در مقایسه با کشورهای موفق نشان می دهد. غیر از ملاحظات مربوط به اصلاحات ساختاری عوامل دیگری نیز در این حرکت مؤثر می باشد. که در اینجا به تعدادی از آنها اشاره می شود.

۱. بازارهای گسترده داخلی: وجود بازارهای داخلی گسترده و توسعه یافته در کشورهای سرمایه پذیر یک عامل اساسی گرایش سرمایه گذاری خارجی به این کشورها محسوب می شود.
۲. کارایی کشورهای میزبان: دومین عامل مؤثر در جذب سرمایه های خارجی میزان کارایی کشورها در زمینه نرم افزاری و سخت افزاری و ارائه خدمات مربوط به سرمایه گذاریها است.
۳. تصویر روشن سیاستها و مقررات: وجود تصویری روشن و واضح از سیاستها و مقررات مربوط به سرمایه گذاری خارجی یک پیش فرض مهم دیگر برای حضور یک سرمایه گذاری خارجی در منطقه آزاد و یا بخش کلان یک شور محسوب می شود.
۴. حقوق تعهدات و وظایف و اختیارات: در شروع هر سرمایه گذاری خارجی به این بستگی دارد که بتوانیم فهرستی قابل درک از حقوق تعهدات مربوط به سرمایه گذاران ارائه دهیم
۵. نظام اداری در برخورد با سرمایه گذاریها: این پیش فرض شاید در سلسله مراتب مربوط به راهکارها اهمیت کمتری داشته باشد در این زمینه لازم به ذکر است که برای سرمایه گذاریها عبور از مسیر طولانی و پیچیده سیستم های اداری که سبب اتلاف وقت و انتظار زیاد برای می شود یک عامل منفی محسوب می شود.
۶. عوامل زیر بنایی و امکانات جذب سرمایه خارجی: عوامل زیر بنایی که معمولاً در اولین مرحله هر سرمایه گذاری مورد مطالعه و یا مشاهده سرمایه گذار قرار می گیرد، راهکار اساسی برای حضور سرمایه گذار خارجی در یک منطقه است. این عوامل عبارتند از:

- ثبات سیاسی و اقتصادی کشور و یا منطقه سرمایه پذیر
- امکانات حمل و نقلی، ارتباطی، مدیریتی، خدمات و اطلاعات
- محیط فیزیکی قابل بهره برداری
- زیر بنای قابل اطمینان
- دسترسی آسان و کم مانع به بازارهای منطقه
- وجود خدمات حمایت و برخورداری منطقه از رفتارهای ترجیحی
- دسترسی به نیروی کار ماهر، نیمه ماهر و مزیت دستمزدی
- سازماندهی خوب منطقه
- محیط شهری مناسب، امکانات زیستی قابل قبول برای نیروی انسانی شاغل در سرمایه گذاریها
- آمادگی فرهنگی و وجود جو صنعتی در منطقه

۷. استراتژی معتبر اقتصادی و قابلیت‌های جذب سرمایه: جذب موفقیت آمیز سرمایه خارجی به مقدار زیادی به این مسئله بستگی دارد که بتوانیم بازارهای خارجی سرمایه را به برخورداری از یک استراتژی معتبر اقتصادی در منطقه و یا بخش کلان متقاعد کنیم.^۹

نتیجه گیری

^۹ کریمی، ولی ا...، ۱۳۷۶، بررسی موانع جذب سرمایه گذاری در منطقه آزاد کیش، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته مدیریت بازرگانی (گرایش مالی) دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، ص: ۴۳-۴۹

در مقوله سرمایه گذاری خارجی، نکته مهمی که مورد توجه حقوقدانان بوده دیدگاه مختلف کشورهای سرمایه پذیر و سرمایه فرست می باشد و اغلب کشور های سرمایه پذیر برای رونق دهی به اوضاع اقتصادی، ایجاد اشتغال و دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی پایدار با مشکل کمبود منابع در جهت سرمایه گذاری روبرو هستند. کمبود در آمد های ارزی ناشی از صادرات و نرخ ناعادلانه مبادله که اغلب به زیان صادر کنندگان کالاها و مواد اولیه خام در حال تغییر است و انبوه جمعیت و مصرف به نسبت بالا از عواملی است که منابع پس انداز قابل تبدیل به سرمایه گذاری های مولد در این گونه کشور ها را بشدت محدود می سازد. جبران عقب ماندگی و دستیابی به توسعه پایدار، نیازمند سرمایه گذاری برای بهره جویی از مزیت های نسبی و توانایی های بالقوه اقتصادی است. ولیکن، بالعکس در کشورهای سرمایه فرست این مشکلات کمتر به آنچه مسلم است سرمایه گذاری داخلی و جذب میزان کمبود آن از طریق سرمایه گذاری خارجی از مهمترین عوامل ایجاد سرمایه برای توسعه تولید در هر کشوری است و راه حل اصلی خروج از مشکل کمبود سرمایه؛ عامل اصلی توسعه نیافتگی در کشورهای سرمایه پذیر می باشد. مشروح براینکه، بسیاری از متفکران دلیل توسعه نیافتگی بسیاری از کشورها را ناشی از کمبود در آمد، پس انداز کافی به دلیل عدم وجود تولیدات کافی که آن هم نتیجه نبود سرمایه گذاری مناسب است عنوان می کنند. حق دولت برای سلب مالکیت از اموال خارجی در سالهای آغازین قرن بیست ظهور و توسعه یافته و به عنوان یک اصل، در حقوق بین الملل به رسمیت شناخته شده است. این حق انعکاسی از اصل حاکمیت سرزمینی دولت بر منابع و ثروتهای طبیعی است که خود به لحاظ حقوق مبتنی بر اصل جهانی حق تعیین سرنوشت ملت ها است. قطعنامه های سازمان ملل در این باره نشانگر شناسایی عام و اجتماعی حق حاکمه دولت در اخذ اموال خصوصی به جهت مصالح عامه و در ازای پرداخت غرامت مناسب می باشد.

منابع

- اشرف، احمد (۱۳۵۹)، موانع تاریخی سرمایه داری در ایران، چاپ اول، انتشارات زمینه.
- تین نیوز (۱۳۹۳)، بررسی چالش های سرمایه گذاری در کشور؛ موانع اقتصادی و حقوقی عاملی موثر بر عدم جذب سرمایه گذاری خارجی در ایران، قابل دسترس از: <https://www.tinn.ir>
- حقی، محمد علی (۱۳۸۰)، سرمایه گذاری خارجی ضامن توسعه به شرط مدیریت، صنعت حمل و نقل، شماره ۱۲۳.

- ذوالقدر، مالک (۱۳۸۶)، مبانی نظری سرمایه گذاری مستقیم خارجی، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۳۹.
- ذوالقدر، مالک (۱۳۹۰)، مبانی نظری سرمایه گذاری، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
- رفیعی آتانی، عطاء الله (۱۳۸۶)، جایگاه دولت در نظام اقتصادی اسلامی، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی.
- ژاک موریسه، اولیویه لومنگانزو (۱۳۸۵)، مجله نامه اتاق بازرگانی، شماره ۴۶۵. ص ۷ - ۸
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۵)، دوره مقدماتی حقوق مدنی: اموال و مالکیت، انتشارات میزان.
- کریمی، ولی اله (۱۳۷۶)، بررسی موانع جذب سرمایه گذاری در منطقه آزاد کیش، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته مدیریت بازرگانی (گرایش مالی) دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، ص ۴۳ - ۴۹
- میرزا خانی، حسن (۱۳۹۲)، شناسایی مهم ترین عوامل افزایش ریسک سرمایه گذاغری در بخش صنعت ایران و ارائه راهکارهایی به منظور کاهش آثار منفی آنها، مجله اقتصادی شماره های ۹ و ۱۰. ص ۲۳ - ۴۸.